

# نقش کمیته ملیون هندی در شکل‌گیری کمیته ملیون ایرانی برلین

○ محمدباقر نوذری

۴۷

## اشاره

تشکیل کمیته ملیون هندی برلین در ۱۹۱۵م/۱۳۳۴هـ ق را باید در راستای سیاست‌های شرقی دولت آلمان مورد بررسی و مذاقه قرار داد. به طوری که توضیح داده خواهد شد، نخستین و یا به عبارت دیگر، مهم‌ترین هدف آلمانی‌ها در شرق که سایر تلاش‌های آنها را نیز تحت‌الشعاع قرار داده، به موازات آن به پیش می‌برد، ایجاد شورش در هند و فراهم آوردن زمینه‌های عینی حمله به این کشور بود. بر این اساس در همان روزهای آغازین جنگ جهانی اول نطفه این کمیته شکل گرفته، تلاش‌های فراوانی از سوی دولت آلمان به منظور تحقق این هدف صورت یافت. از آن جایی که این کمیته نقش مهمی در تحولات سیاسی و فرهنگی ایران نیز ایفا کرد و نقش اساسی در شکل‌گیری «کمیته ملیون ایرانی» داشت، اشاره‌ای گذرا به آنها لازم و ضروری است.

## اهمیت هندوستان در سیاست شرقی آلمان

در جنگ جهانی اول، هر دو گروه متخاصم می‌کوشیدند کنار پیروزی در میادین جنگ در عرصه سیاسی و دیپلماتیک نیز بر رقیب برتری و تفوق یابند. به همین منظور از هر اقدامی در جهت یافتن پاشنه آشیل دشمن استفاده می‌کردند. به عنوان مثال می‌توان به تلاش‌های انگلیس در برانگیختن اعراب ساکن در قلمرو عثمانی<sup>۲</sup> و یا به شعارهای «پان اسلامیسم» و «پان ترکیسم» عثمانی‌ها اشاره کرد.<sup>۳</sup>

در میان کشورهای که درگیر جنگ بودند، انگلستان به دلیل موقعیت جزیره‌ای و توان بالای نیروی دریایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود، به طوری که از مدت‌ها قبل هرگونه تجاوزی به سواحلش را دفع کرده بود. فکر حمله به مستعمرات این کشور را اولین بار ناپلئون مطرح نمود که به دلیل صلح با روسیه از انجام آن منصرف گردید. گرچه وی موفق به انجام نقشه‌هایش در شرق نگردید، اما اندیشه حمله به مستعمرات انگلیس به جای حمله مستقیم به آن کشور را همواره در ذهن مخالفان آن کشور به وجود آورد.<sup>۴</sup>

در جنگ جهانی اول آلمانی‌ها که از شکست دادن انگلستان در اروپا عاجز شده بودند، تلاش کردند طرح حمله به هند را مجدداً مورد بررسی قرار داده، آن را عملی نمایند. تحقق این آرزو با موانعی همراه بود که دست‌یابی به آن را به تأخیر می‌انداخت. از جمله این مشکلات یکی تکمیل نشدن راه‌آهن بغداد و دیگری مسئله عبور از کشورهای بود که وضعیت بی‌طرفی آنها هنوز مشخص نبود.<sup>۵</sup>

به این ترتیب آلمانی‌ها تا فراهم شدن شرایط مساعد حمله مستقیم به هند، کوشیدند از طریق ایجاد شورش در آن کشور و یا کشاندن همسایگان آن به جنگ در کنار خویش، وضعیت را به سود خود تغییر دهند. حداقل نتیجه این اقدامات، کشانده شدن بخش اعظمی از نیروهای انگلیسی به شرق در جهت حفظ هندوستان بود و همین مسئله می‌توانست کفه ترازو را در اروپا که تکلیف نهایی جنگ در آنجا مشخص می‌گردید، به نفع آلمانی‌ها تغییر دهد.<sup>۶</sup> اندیشه تشکیل «کمیته هند» ملهم از این اندیشه بود.

در همین زمان، یعنی شکل‌گیری اندیشه حمله به هند، بسیاری از اندیشمندان و شخصیت‌های سیاسی هند علیه سیاست بریتانیا به پا خاسته و فعالیت خویش را با تشکیل گروه‌ها و انتشار روزنامه از مدت‌ها قبل آغاز کرده بودند.<sup>۷</sup> هدف آلمانی‌ها برای ضربه زدن به انگلیس و آرزوی مبارزین هندی برای رهایی کشورشان باعث تشریک مساعی آنها شده، هر دو گروه را بر آن داشت علیه انگلیس در کنار هم قرار بگیرند.

### تشکیل کمیته هندی

ورود عثمانی به جنگ و قرار گرفتن آن در جبهه متحدین، سیاست حمله به مستعمرات انگلیس را که از مدت‌ها قبل در محافل سیاسی آلمان مطرح شده بود، وارد مرحله تازه‌ای کرد. مولتکه<sup>۸</sup> رئیس ستاد ارتش آلمان در روز عقد اتحاد با عثمانی، در رمضان ۱۳۳۳ ه.ق به وزارت خارجه آلمان نوشت: «اگر انگلیس علیه ما اقدام کند، باید تلاش شود یک شورش همگانی در هند و مصر به راه افتد.»<sup>۹</sup> این اظهارات اهمیت هندوستان را در برنامه‌های آتی متحدین به خوبی نشان

می‌دهد.

اولین اقدامی که به همین منظور، یعنی ایجاد شورش در هند و ناآرام کردن دیگر کشورهای همسایه آن صورت گرفت، اعلان جهاد از سوی «سلطان محمد خامس» در ۲۳ ذی‌الحجه ۱۳۳۲ هـ ق بود.<sup>۱۰</sup>

تأثیر اولیه اعلان جهاد، تهییج احساسات مسلمانان، اعم از شیعی و سنی بود و آنها را به تکاپو انداخت.<sup>۱۱</sup> به طوری که مجتهد معروف «آیت‌الله سیدمصطفی کاشانی» آن را تأیید و حتی صدور فتاوی مشابهی را نیز به دنبال داشت.<sup>۱۲</sup>

این موج به وجود آمده مذهبی، مدت زیادی دوام نیاورده، به تدریج با روشن شدن ماهیت واقعی آن به خاموشی گرایید. اعلان جهاد با وجود برخی حمایت‌هایی که علمای شیعی از آن کردند در میان ایرانیان و شیعیان چندان تأثیر نگذاشت.<sup>۱۳</sup>

کم‌رنگ بودن مسئله جهاد در میان مسلمانان هندی باعث شد تا متحدین، سیاست دیگری را در مورد هند دنبال کنند. این سیاست جدید را «انورپاشا» وزیر جنگ عثمانی مطرح کرد. وی معتقد بود: «باید از طریق ایران و افغانستان به هند حمله کرد».<sup>۱۴</sup> اعلان بی‌طرفی ایران و وضعیت نامشخص افغانستان، اندیشه اعزام هیأت‌هایی را برای مهیا کردن شرایط حمله به هند مطرح نمود. به این ترتیب استفاده از عناصر ناراضی هندی در دستور کار متحدین قرار گرفت.

به همین منظور در ۱۹۱۴م/۱۳۳۳هـ ق دولت آلمان توانست تعدادی از مبارزین هندی را که در سراسر جهان پخش شده بودند در برلین گرد هم آورده، از آنها کمیته‌ای تحت عنوان «کمیته ملیون هندی» تشکیل دهد.

مورخ‌الدوله سپهر، در کتاب ایران در جنگ بزرگ در این مورد می‌نویسد:

در اواخر ۱۹۱۴ سیاستیون آلمان به منظور ایجاد خصومت، میان هندوستان و انگلیس بر آن شد تا از حزب انقلابی «غدر» در هند استفاده کند. این کمیته به کمک «چانوبادایا»<sup>۱۵</sup> در برلن تشکیل شد.<sup>۱۶</sup>

### اهداف کمیته ملیون هندی

(الف) تبلیغ و موعظه در میان اسرای شرقی

قلمرو وسیعی را که متفقین تحت سلطه خویش درآورده بودند، علاوه بر استفاده‌های اقتصادی، تدارک بخش اعظمی از نیروهای نظامی آنها را نیز تأمین می‌کرد. استفاده از این افراد در جبهه‌های جنگ، اسارت تعداد زیادی از آنها را به دنبال داشت، به نحوی که اردوگاه‌های آلمان مملو از این اسرا بود.

روزنامه کاوه در شماره ۱۱، سال دوم، راجع به اسرای موجود در قرارگاههای آلمان گزارشی ارائه کرده که به خوبی اهمیت مسئله را روشن می‌نماید. در بخشی از این مقاله که به قلم «ارجمند» می‌باشد، آمده است:

بالفعل در ایالات مختلفه ممالک آلمان متجاوز از صد اردوگاه برای قرارگاه ۱/۶۶۳/۷۹۴ نفر اسرای جنگی از هر قبیله و جنس از روسی و فرانسوی و انگلیسی و بلژیکی و هندی و استرالیایی و کانادایی و عده کثیری هم از ملل مختلفه مسلمین که از ابتدای این جنگ عمومی در عرض دو سال گذشته به دست قشون آلمان افتاده‌اند، موجود است.<sup>۱۷</sup>



نقشه امپراتوری عثمانی

وجود این تعداد اسیر در اردوگاه‌های متحدین، لزوم جلب قلوب آنها را برای دولت آلمان ایجاب می‌کرد.

به این ترتیب آنها کوشیدند در میان اسرا به تبلیغ پردازند. اهمیت مسئله اسرای شرقی برای سیاستمداران آلمانی را می‌توان به خوبی در دعوت آنها از تقی‌زاده مشاهده کرد. وی در این مورد می‌نویسد:

[کنسول آلمان] گفت حقیقت مطلب این است که دولت آلمان اسرای زیادی از فرانسه و انگلیس و روس گرفته است. عده زیادی مسلمان دارد. از الجزایر و تاتارستان تا هندوستان.

نقش کمیته ملیون هندی در...

مسلمان‌ها را از اسرای دیگر جدا کرده بودند. مثلاً بیست هزار اسیر مسلمانها را جدا کرده بودند و «کامپ علیحده» برای آنها درست کرده بودند و می‌خواستند پروپاگاندا به مسلمانها بکنند. چون آنها را دولت انگلیس یا فرانسه به جنگ آلمان آورده بودند و آلمان‌ها می‌خواستند دل آنها را برگردانند و آنها حالی بشوند که منافعشان در دوستی آلمان و دشمنی با دولتی است که بر آنها مسلط شده است. برای آن کار کسانی را می‌خواستند که حرفشان نافذ باشد.<sup>۱۸</sup>

در میان اسرایی که در اردوگاههای آلمان نگهداری می‌شدند، تعداد بسیار زیادی هندی نیز بود که غالباً در بین‌النهرین به اسارت درآمده بودند. تبلیغ در میان این اسرای هندی از جمله وظایفی بود که برای «کمیته هندی» در نظر گرفته شده بود.<sup>۱۹</sup>

(ب) اعزام هیأت‌هایی برای ایجاد شورش در هند

مهم‌ترین علت تشکیل «کمیته هندی» چنانکه اشاره گردید، فراهم آوردن زمینه‌های ایجاد شورش در هندوستان بود و مسئله تبلیغ در میان اسرا در حاشیه آن قرار می‌گرفت. همانگونه که در صفحات پیشین نیز گفته شد، متحدین در تلاش بودند به منظور ایجاد شورش در هندوستان هیأت‌هایی را از طریق ایران و افغانستان به این کشور اعزام کنند.

از آنجایی که عثمانی در کنار آلمان قرار داشت برای عبور این هیأت‌ها از خاک آن کشور مشکلی وجود نداشت. در واقع مشکل از جایی شروع می‌شد که می‌بایست این هیأت‌ها از خاک ایران عبور کنند. همین مسئله لزوم جلب همکاری ایرانیان را ایجاد می‌کرد و تشکیل «کمیته ملیون ایرانی» نتیجه این اندیشه بود.

اما راجع به هیأت‌هایی که از سوی «کمیته هندی» به افغانستان، جهت فراهم آوردن زمینه‌هایی برای شورش هند گسیل شدند، می‌توان به هیأت «هنتیگ - پراتاپ» اشاره کرد. این گروه مأموریت داشت از طریق ایران خود را به افغانستان رسانیده، پیام‌های قیصر و فتاوی جهاد را به «امیر حبیب‌الله خان» ابلاغ نماید. در بخشی از پیام قیصر راجع به هندوستان و وظایف این هیأت آمده است:

کومار راجه که به حضور اعلی حضرت قیصر پادشاه [آلمان] بار یافته و مطمئن گردیده است که آلمان و متحدان آن ... در جنگ علیه روسیه، انگلستان و فرانسه پیروز خواهند شد، مایل است در پیش‌گاه آن اعلی حضرت، نظراتی را که در آلمان کسب کرده، توضیح دهد و در زمینه آزادسازی قطعی هند از زیر یوغ اجانب، نظریات خود را تقدیم آن اعلی حضرت نماید تا آنکه هند مجدداً مقام درخوری در میان ملت‌ها بیابد.<sup>۲۱</sup>

پیشنهاد تشکیل این هیأت در ربیع‌الاول ۱۳۳۳ هـ ق از سوی «پراتاپ»<sup>۲۲</sup> یکی از شاهزادگان

عضو «کمیته هندی» مطرح گردید.<sup>۲۳</sup> وی از وزارت خارجه آلمان درخواست کرد که به همراه پروفیسور «مولوی برکت‌الله»<sup>۲۴</sup> از دیگر اعضای «کمیته هندی» و چند افسر آلمانی و عثمانی، یک نفر را برای خدمات درمانی و بین ۴ تا ۶ سرباز هندی، راهی کابل شوند تا در آن شهر زمینه‌های حمله به هند را فراهم نمایند.<sup>۲۵</sup> محمدعلی جمال‌زاده از اعضای ایرانی «کمیته برلین» که مأموریت داشت خود را به بغداد برساند، در مسیر حلب به سمت بغداد و تا شهر قصر شیرین با این هیأت همراه بوده است.<sup>۲۶</sup>

هیأت مذکور علی‌رغم مشکلات زیادی که در طول مسیر با آن مواجه گردیدند، خود را به افغانستان رسانیده، پیام‌های قیصر را به امیر حبیب‌الله تقدیم نمودند. این هیأت همانند «هیأت نیدرمایر»<sup>۲۷</sup>، بدون اینکه نتیجه مشخصی از اقداماتش به دست آورد به کار خود خاتمه داد.<sup>۲۸</sup> با این وجود اعضای «کمیته هندی» در کابل طرفداران زیادی پیدا کرده، در آنجا موفق به تشکیل «حکومت ایالتی هند آزاد» شدند.

در این میان مولوی برکت‌الله نقش زیادی بر عهده داشت و توانست مسلمانان زیادی را با خود همراه کند.<sup>۲۹</sup>

«کمیته هندی» به دلیل اهمیت اقداماتش، نزد مقامات آلمانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و تلاش می‌شد همه خواسته‌های آنها تأمین گردد. سیدحسین تقی‌زاده راجع به این موضوع می‌نویسد:

آلمان‌ها به انقلابیون هند... بسیار علاقمند بودند. اگر [آنها] صد میلیون می‌خواستند می‌دادند. یعنی همه قصدشان این بود که هندوستان را بشوراندند... حرف آنها فوق‌العاده نفوذ داشت، یعنی هر چه می‌خواستند فوراً عملی می‌شد. ظاهراً میلیون‌ها مارک در اختیار آنها بود. هر چه می‌گفتند، قبول بود.<sup>۳۰</sup>

همان گونه که تقی‌زاده گفته است، آلمان‌ها می‌کوشیدند تا همه خواسته‌های «کمیته هندی» را برآورده کنند. یکی از درخواست‌هایی که به زودی تحقق پیدا کرد، دعوت از ملیون ایرانی برای همکاری با این مبارزین هندی بود.

به این ترتیب نطفه تشکیل «کمیته ملیون ایرانی» در دل «کمیته هندی» شکل گرفت. در پایان این بخش باید گفت که علی‌رغم اهمیت «کمیته هندی» نمی‌توان در مورد اقدامات آنها اغراق کرد. مورخ‌الدوله سپهر راجع به توانایی‌های این کمیته می‌نویسد:

آلمان‌ها از این افراد [اعضای کمیته هندی] برای تبلیغات ضدانگلیسی و اقدام به کشتار در انگلستان و سایر کشورهای متفق آن و از بین بردن خطوط مواصلاتی از طریق کانال سوئز و ایجاد دشمنی در کشورهای اسلامی آسیای غربی مخصوصاً ترکیه، ایران و افغانستان با انگلیس

### استفاده می‌کردند.<sup>۳۱</sup>

این اظهارات سپهر، اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد و چنانکه اشاره گردید، اهداف «کمیته هندی» مشخص بوده، انجام این کارها، خارج از حدود توانایی آنها بوده. با وجود این نمی‌توان در خطیر بودن مأموریت آنها تردید وارد کرد.<sup>۳۲</sup>

### دلایل تشکیل کمیته ملیون ایرانی برلن

الف) درخواست اعضای «کمیته هندی»

سؤالی که در اینجا باید به آن پاسخ داد، این است که چرا «کمیته هندی» تلاش می‌کرد موافقت مقامات آلمانی را برای جلب عناصر ایرانی به دست آورد؟ همچنان که در صفحات پیشین اشاره گردید، هیأت‌هایی که قصد آنها ایجاد شورش در هندوستان و برقراری ارتباط با امیر افغانستان بود، می‌بایست مسافت طولانی‌ای را از داخل خاک ایران عبور کنند که علاوه بر اعلان بی‌طرفی، تحت نفوذ شدید روس و انگلیس بسر می‌برد و از نظر جغرافیایی تقریباً ناشناخته برای اعضای این هیأتها بود. در کنار این مسائل نامشخص بودن اوضاع سیاسی آن نیز می‌توانست ددرساز گردد.

به طوری که گفته شد، تعدادی از اعضای «کمیته هندی» با ایران و اوضاع سیاسی آن از مدت‌ها قبل آشنایی پیدا کرده، حتی برخی از آنها در ایران ساکن نیز شده بودند.<sup>۳۳</sup> به این ترتیب، به منظور پیشبرد مقاصدشان از دولت آلمان درخواست کردند زمینه‌های همکاری با ایرانیان، مخصوصاً حزب دمکرات را که به ضدیت با روس و انگلیس شهرت داشت، فراهم نمایند.

نخستین کسی که از سوی «کمیته هندی» به آلمانی‌ها معرفی گردید، سیدحسن تقی‌زاده بود که ظاهراً دعوت از وی به پیشنهاد «هاردیال»<sup>۳۴</sup> بوده است.<sup>۳۵</sup> تقی‌زاده در مورد این دعوت می‌نویسد:

آنها [کمیته هندی] اسم مرا پیدا کرده بودند و به آلمان‌ها گفته بودند که اگر فلان کس را پیدا کنید، او در ایران نفوذ کلام دارد. باعث این شد که آلمان‌ها پی من آمدند والا مستقیماً آنها مرا نمی‌شناختند. بعدها این مطلب را فهمیدم و واقع امر همین بود.<sup>۳۶</sup>

این گفته‌ها به خوبی نشان دهنده این واقعیت هستند که شناخت آلمانی‌ها، نسبت به ایران و رجال سیاسی آن بسیار محدود بوده است.

در تأیید این عدم شناخت از ایران و اوضاع سیاسی آن، می‌توان به درخواست وزارت خارجه این کشور از «احمدعلی سپهر» منشی سفارت آلمان در ایران، برای کسب اطلاعاتی از تقی‌زاده و

سابقه سیاسی وی اشاره کرد.<sup>۳۷</sup>

مورخ آلمانی «اولریخ گرکه»<sup>۳۸</sup>، نیز به درستی به این مسئله اشاره کرده است. وی معتقد است که آلمانی‌ها سیاست مستقل و روشنی در قبال ایران در دستور کار خویش نداشته‌اند و ایران در سیاست شرقی آنها تنها به منزله بخشی از مأموریت هند و افغانستان، در نظر گرفته شده است.<sup>۳۹</sup> این بی‌برنامگی در مورد ایران را به خوبی می‌توان در سردرگمی آلمانی‌ها نسبت به حیطه وظایف تقی‌زاده تا پیش از تشکیل «کمیته ایرانی» مشاهده کرد.

به دنبال ورود تقی‌زاده به برلین و آشنایی وی با «کمیته هندی» علی‌رغم رفتار دوستانه و خوب اعضای کمیته و درخواست آلمانی‌ها مبنی بر همکاری ایرانیان با «کمیته هندی»، وی امتناع نموده، خواستار در پیش گرفتن سیاستی مستقل با داشتن امتیازاتی مشابه گردید. تقی‌زاده برای اینکه بتواند در این مسئله درایت بیشتری نشان دهد، کوشید قبل از انجام هر اقدامی، هم‌ردیفان سیاسی ایرانی خود را که در سراسر اروپا پراکنده شده بودند، برای بررسی راههای همکاری با آلمان در برلین گردهم آورد.<sup>۴۰</sup>

تلاش‌های تقی‌زاده در جهت تشکیل کمیته‌ای مستقل، بالاخره نتیجه داده، ایرانیان توانستند امتیازاتی مشابه «کمیته هندی» به دست آورند. به این ترتیب «پس از ورود آقایان به برلن، شورایی تشکیل داده و در نتیجه کمیته ایرانی و مستقل (اگرچه با همکاری نزدیک با سران انقلابیون و کمیته هندی) تأسیس» گردید.<sup>۴۱</sup>

۵۴

ب) در پیش گرفتن سیاست مستقل از عثمانی از سوی آلمان

عامل دیگری که در تشکیل «کمیته ایرانی برلین» نقش عمده‌ای داشت، در پیش گرفتن سیاست مستقل در قبال ایران از سوی دولت آلمان بود. علت این امر را باید گزارش‌های اغراق‌آمیز «کاردروف»<sup>۴۲</sup>، کاردار سفارت آلمان در تهران، تلاش‌های «کنت کانیتز»<sup>۴۳</sup> در میان رؤسای ایالات و عشایر، به وجود آمدن جوّ ضد متفقین در سراسر ایران و از همه این‌ها مهم‌تر، شکاف و اختلافی باید دانست که میان مأمورین آلمانی و عثمانی در قضیه هیأت‌های اعزامی به افغانستان و بین‌النهرین به وجود آمده بود.

تقریباً هم‌زمان با این رویدادها، «وژندونگ»<sup>۴۴</sup>، درباره استفاده از ملی‌گرایان ایرانی، با «نادولنی»<sup>۴۵</sup> به گفت و گو پرداخت و پیشنهاد کرد چون این افراد هر کدام گرایش خاصی دارند و گفت و گو با تک تک آنها دشوار است، خوب است از ایشان کمیته‌ای تشکیل شود تا ملی‌گرایان ایرانی پس از عضویت در آن بتوانند درباره یک برنامه عملیاتی به توافق برسند، آن‌گاه وزارت خارجه تماس لازم با آن کمیته را برقرار نماید.<sup>۴۶</sup>



نقش کمیته ملیون هندی در...

اولر یخ گرکه در مورد شکل گیری کمیته ایرانی، بدون اشاره به نقش «کمیته هندی» تنها بر مسئله جدایی سیاست آلمان از عثمانی اشاره کرده است.<sup>۳۷</sup> این اظهارات را کاملاً نمی توان پذیرفت چرا که اشارات بسیاری از اعضای ایرانی «کمیته برلین» به نقش هندی ها و نیز اهمیت هندوستان در سیاست شرقی آلمان به خوبی نشان دهنده این واقعیت است که دعوت از ایرانیان به برلین ابتدا به منظور کمک کردن به مبارزین هندی و قرار گرفتن در کنار آنها بوده است.<sup>۳۸</sup>

## پانوشتها

### 1- Comite Persische.

۲- انگلیسی ها از دیرباز تلاش می کردند با دولت عثمانی وارد جنگ نگردند، چرا که سیطره شان بر بخش اعظم جهان اسلام به خطر می افتاد. زمانی که عثمانی ها وارد جنگ شدند، مقامات رسمی حکومت به ناچار کوشیدند به تأثیرات معنوی و اخلاقی جنگ در میان مسلمانان تبعه امپراطوری بریتانیا توجه کنند و به آنان این مهم را یادآور شوند که جنگ با عثمانی جدا از سایر موضوع هاست. اعزام هیأت هایی به کشورهای عربی برای بی اثر ساختن تهدید جهاد از جمله این اقدامات بود. (اولسون، ویلیام جی، روابط ایران و انگلیس در جنگ جهانی اول، حسن زنگنه، تهران، انتشارات شیرازه، ج اول، ۱۳۸۰، صص ۶۲-۶۱).

۳- عثمانی ها به موازات اعلان جهاد، کوشیدند با انجام تبلیغات وسیع در میان مسلمانان شیعه و سنی زمینه های همکاری آنها را با خود فراهم کنند. به این ترتیب می توانستند علیه انگلستان که در بخش وسیعی از قلمرو اسلامی تسلط پیدا کرده بود مقابله کنند.

در همین راستا تلاش وسیعی را در جهت جلب قلوب مسلمانان، مخصوصاً شیعیان صورت دادند، به طوری که در میان زائرین ایرانی عتبات عالیات و ایلات به تبلیغ پرداخته و حتی مراجع بزرگ نجف و سامرا را به صدور فتاوی مشابهی تشویق می کردند.

در چارچوب همین برنامه، روزنامه شیعی «ظهور» که در بغداد به چاپ می رسید، روی اتحاد مسلمانان تأکید فراوانی نمود. در یکی از مقالات این روزنامه تحت عنوان «حساسیت ایرانیان در مقابل برادران عثمانی خود» تلاش گردید زمینه های ایجاد ارتباط میان شیعیان و سنی ها مورد بررسی قرار گیرد. از دیگر روزنامه هایی که بر این موضوع تأکید می کرد، «کاوه» بود، که از سوی اعضای «کمیته ایرانی برلین» به چاپ می رسید. در یکی از مقاله های این روزنامه به عنوان «اتحاد منافع ایران و عثمانی» بر این موضوع تأکید فراوانی گردیده است. نکته جالب در مورد روزنامه «کاوه» این است که در آن سپاهیان عثمانی همواره با نام «سپاهیان اسلام» معرفی شده اند. با وجود همه این تلاشها باید گفت که ایرانیان چندان استقبالی از این مسئله نکرده، تنها در پاره ای موارد قبایل خوزستان و کردهای سنی از آن حمایت کردند. با کم رنگ شدن سیاست پان اسلامیسیم و ناامید شدن ترکها از دستاوردهای آن، به تدریج سیاست دیگری مدنظر دولت عثمانی قرار گرفت که بیشتر مورد علاقه آنها نیز بود.

این سیاست جدید، که از مدت ها قبل روی آن برنامه ریزی شده بود «پان ترکیسیم» نام داشت. «پان ترکیسیم» که آن را «پان

تورانيسم» نيز می‌گویند، به دنبال کم‌رنگ شدن مسئله جهاد در میان مسلمانان ایرانی و هند به منظور شوراندن ترک‌های ساکن در خاک روسیه ترویج گردید. این سیاست را که مورد حمایت و تأیید حزب «اتحاد و ترقی» نیز بوده، ظاهرأ اولین بار از سوی «ضیاء گوکالب» (۱۹۲۴م-۱۸۷۶م) مطرح شده است که به تدریج به عنوان سیاست غالب این حزب درآمده، تلاش‌های زیادی به منظور تحقق آن صورت گرفت.

گوکالب، عقاید خود را ابتدا در غالب شعر و داستان‌های کودکان مطرح می‌کرد و اسلام‌گرایی و گرایش به امپراتوری را کنار زده، راه‌های ایجاد دولت ترکی را ارائه می‌کرد. هدف اصلی پان ترکیسم‌ها، ایجاد امپراتوری عظیمی، متشکل از همه قومیت‌های ترک بود.

یحیی دولت‌آبادی که از نزدیک با رؤسای حزب اتحاد و ترقی آشنایی داشته است، در تحلیلی به اهداف پان ترکیسم‌ها، اشاره کرده و راجع به اندیشه‌های آنها می‌نویسد: «مدت‌هاست که اداره‌های مخصوص این کار [پان ترکیسم] ترتیب داده و ترک‌تراشی می‌کنند... بالاخره از اقوام گذشته به افراد رسیده است. اشخاص بزرگ ایرانی را هم که به مناسبت جزیبی ... داشته‌اند برای آنها شجره می‌سازند که رنگ ترکی به آنها بدهند. می‌گویند سعدی شیرازی هم ترک بوده است، چون مدوح وی سعد اتابک بوده است. ... شاید به خاطر ترکان جوان خطور کند که مملکت ایران به منزله خانه کهنه بی‌صاحبی است که ... می‌توانند مصالح آن را به تدریج جدا، جابه‌جا نموده، خانه خود را از هر چه ندارند بی‌نیاز سازند.» (دولت‌آبادی، یحیی، ج ۴، تهران، انتشارات عصار، چ دوم، ۱۳۶۱، ص ۲۰)

در مورد سیاست‌های ترک‌تراشی عثمانی‌ها، گزارش‌های فراوانی در نوشته‌های این دوره وجود دارد که به خوبی کنه اعتقادی مبلغین این اندیشه را نشان می‌دهد. در روزنامه کاوه نیز اشاراتی به این موضوع گردیده و آن را مخالف مصالح مسلمانان دانسته‌اند. (کاوه، دوره قدیم، شم ۱۲، ص ۷۳) و در خاطرات دیوان بیگی نیز اشاراتی گردیده تغییر سیاست عثمانی‌ها را تأیید می‌کند.

وی می‌نویسد: «ترک‌ها بعد از عدم موفقیت در برنامه اتحاد اسلام، مسئله اتحاد ترک‌ها را برای اتحاد با ترک‌های ممالک دیگر مطرح کردند. (دیوان بیگی، رضاعلی، سفر مهاجرت در نخستین جنگ جهانی، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران، چ اول، ۱۳۵۱، ص ۱۰۸) نکته جالب در مورد سیاست پان ترکیسم عثمانی‌ها این است که این مسئله چندان در میان آذربایجان ایران بازتاب نداشته، از آن استقبال نگردیده است. (آتایف، ترکیا، «روابط ایران و عثمانی در جنگ جهانی اول»، سمینار ایران و جنگ جهانی اول، تهران، وزارت امور خارجه، چ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۸۸-۱۶۷).

۴- راجع به اهمیت هندوستان در سیاست‌های انگلستان ر.ک: شیخ‌الاسلامی، محمدجواد، سیمای احمدشاه قاجار، ج ۱، تهران، نشر گفتار، چ سوم، ۱۳۵۷، صص ۵۸-۵۹.

۵- این مسیر جدا از بعد مسافت، خطوط ارتباطی آسیب‌پذیر را در معرض حمله روس و انگلیس قرار می‌داد.

۶- انگلیسی‌ها و آلمانی‌ها بر اهمیت نبردها در اروپا وقوف کافی داشتند. اما با وجود این نمی‌توانستند اهمیت خاورمیانه و هند را در تحولات بعدی جنگ نادیده بگیرند.

بر این اساس می‌کوشیدند منافع خود را در این مناطق حفظ کرده، از آن برای ضربه زدن بر حریف استفاده کنند. اولسون در این زمینه می‌نویسد: «انگلیسی‌ها امیدوار بودند جنگ را محدود کنند. بیشتر تفکرات استراتژیکی انگلیسی‌ها در قبل از جنگ، سازماندهی دوباره نیروی زمینی و نیز استقرار یگان‌های شناور انگلستان همه به منظور رویارویی در اروپا برنامه‌ریزی شده بود. اما ترک‌ها این آرایش جنگی را به هم زدند و آلمانها که ترک‌ها را دلگرم می‌کردند، مصمم شده بودند در هر جا که ممکن است دشمن را به زانو درآورند.» (روابط ایران و انگلیس...، ص ۴۲).

۷- برای آگاهی از فعالیت مبارزین هندی ر.ک: سپهر، محمدعلی، ایران در جنگ بزرگ، تهران، نشر ادیب، ۱۳۶۲، صص ۴۳۱-۴۲۲.

## 8- Moltke.

۹- متن کامل این اظهارات به این ترتیب بود: «اگر انگلیسی‌ها علیه ما اقدام کنند، باید تلاش شود که شورش همگانی در هند و مصر راه افتد ... و از ایران خواسته شود با استفاده از موقعیت، ضمن رهانیدن خود از یوغ تسلط روسها در صورت امکان با عثمانی مشترکاً وارد عمل گردد.» (گرکه، اولریخ، پیش به سوی شرق، ترجمه پرویز صدری، تهران، کتاب سیماک، ۱۳۷۷، ص ۶۷).

۱۰- این فتوا با تأیید شیخ‌الاسلام استانبول در ۱۴ نوامبر قرائت گردید و همانگونه که اولسون گفته است، می‌توانست تأثیر

نقش کمیته ملیون هندی در...

فراوانی بگذارد: «ادعایی [اعلان جهاد] که مسلمانان بی‌شماری حتی در هند آن را قبول داشتند؛ از این رو، کابوس جهاد خواب انگلیسی‌ها را آشفته کرد و آنان نمی‌توانستند قدرت بالقوه مسلمانان را برای به وجود آمدن خیزش اسلامی در مصر، هند، ایران و افغانستان دور از نظر نگه دارند. انگلیسی‌ها پیش از ورود ترک‌ها به این خطر پی برده بودند». برای اطلاعات بیشتر، رک: پیش به سوی شرق، صص ۸۰-۷۸، ۴۲.

۱۱- در راستای تحریک مسلمانان شیعی، مراجع عظام در نجف به صدور فتاوی «جهادیه» اقدام نموده، به همین منظور فتاوی جهادیه مردم ایران را شرعاً مکلف به دفاع از اسلام که مورد هجوم اجانب قرار گرفته بود، کردند. برای مشاهده تعدادی از این فتاوی رک: کاووسی عراقی، محمدحسن، فتاوی جهادیه علما و مراجع عظام در جنگ جهانی اول، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چ اول، ۱۳۷۵.

۱۲- بخشی از حکم جهاد صادر شده از سوی آیت‌الله کاشانی به این شرح است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم. چنین کسی که به یکی از طرق مرقومه به کنار حربی مثل روس و انگلیس و ایتالی و فرانس اعانت نماید، از جمله محارب با خدا و پیغمبر صلی‌الله علیه و آله محسوب و ساعی در مجاهدین خدا و خاموش کردن نور حق خواهد بود و گناه بسیار بزرگی است.» فتاوی جهادیه...، ص ۵۶.

۱۳- در این زمینه رک: صالحی، نصرالله، «جنگ جهانی اول و واکنش علمای ایرانی مقیم عراق»، ایران در جنگ جهانی اول، به کوشش صفا اخوان، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چ اول، ۱۳۸۰.

۱۴- پیش به سوی شرق، ص ۵۲۰.

۱۵- وی در آغاز جنگ جهانی اول، حدود سی سال سن داشت و تحصیلاتش را در رشته فلسفه در انگلستان گذرانده، در هنگام جنگ از سوی «هاردایان» برای همکاری با «کمیته هندی» به برلین دعوت گردید. وی در هنگام عبورش از سوئیس به سمت برلین، با جمال‌زاده همسفر بوده است.

جمال‌زاده وی را «به غایت تو دل‌پرو و مهربان» معرفی کرده، به سوءقصدی اشاره می‌کند که جاسوسان انگلیسی علیه «چاتوبا دایا» طرح‌ریزی کرده بودند. اقامت چاتوبا دایا در برلین تا پایان جنگ جهانی اول طول کشید. رک: جمال‌زاده، سید محمدعلی، خطرات سید محمدعلی جمال‌زاده، به کوشش ایرج افشار، علی دهباشی، تهران، انتشارات سخن، شهاب ثاقب، چ اول، ۱۳۷۸، صص ۷۲-۷۱.

۱۶- ایران در جنگ بزرگ، ص ۵۵.

۱۷- روزنامه کاوه، س دوم، دوره قدیم، شم ۱۱، ص ۲.

۱۸- تقی‌زاده، سیدحسن، زندگی طوفانی، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی، چ اول، ۱۳۶۵، صص ۱۸۲-۱۸۱.

۱۹- ایران در جنگ بزرگ، ص ۵۵.

20- Hentig-Protap.

۲۱- پیش به سوی شرق، ص ۱۷۸.

22- Kumar Mahendra Pratap.

۲۳- اسم کامل وی «کومار هندرا پراتاپ» از شاهزادگان هند، اهل «هاتراس و مورسان» بود. وی از جانب کمیته هندی به مأموریت افغانستان اعزام گردیده، از نخستین کسانی بود که به برلین دعوت شد. راجع به مأموریت این هیأت در افغانستان رک: نیدر مایر، اسکارفن، زیر آفتاب سوزان ایران، ترجمه کی‌کاووس جهانداری، تهران، چ اول، ۱۳۶۳.

۲۴- وی از طرفداران اندیشه اتحاد مسلمانان بوده و سابقه طولانی در مبارزه با استعمار انگلیس داشت. برکت‌الله در آغاز جنگ در توکیو به تدریس اشتغال داشت که به جهت مقالات شدیدش علیه انگلیس و عضویتش در حزب گادر از دانشگاه توکیو اخراج گردید.

مولوسی برکت‌الله از طریق ایران خود را به برلین رسانیده، به همراه هیأت هنتیگ عازم کابل گردید. رک: جمال‌زاده، محمدعلی، «خاطراتی از کمیته ملیون ایرانی در برلین»، آینده، س هفدهم ۱۳۷۰، ص ۷۴۱.

۲۵- پیش به سوی شرق، ص ۲۳۷.

۲۶- «خاطراتی از کمیته ملیون ایران»، ص ۷۴۱.

27- Nidermayer.

۲۸- زیر آفتاب سوزان ایران، ص ۱۳۹.

۲۹- کمیسیون مزبور و طرح آنان در میان قبایل کابلی طرفداران زیادی پیدا کرد و اعتبارات لازم نیز مستقیماً برای برکت‌الله فرستاده می‌شد. به زودی رهبران هندی حکومت ایالتی هند آزاد را در کابل تشکیل دادند و اکثر مسلمین ضدانگلیس به آنها پیوستند.

۳۰- زندگی طوفانی، ص ۱۸۳.

۳۱- ایران در جنگ بزرگ، ص ۴۳۹.

۳۲- تقی‌زاده در این مورد می‌نویسد: «اینها [اعضای کمیته هندی] در کمیته خودشان صبح تا شام کار می‌کردند. آلمان‌ها به آنها تعلیم بمب و دینامیت و اسب‌سواری و تیراندازی می‌دادند. معلم گذاشته بودند. قرار بود اینها از راه عثمانی (تمام این راه را بروند) و از ایران رد شوند و به هندوستان برسند و هندوستان را بشورانند». (زندگی طوفانی، ص ۱۸۴).

۳۳- برای آگاهی بیشتر از اوضاع ایران مقارن جنگ جهانی اول ر.ک: کمال‌زاده، میرزا ابوالقاسم، خاطره‌ها - شنیده‌ها، به کوشش مرتضی کامران، تهران، نشر فرهنگ، چ اول، ۱۳۶۳؛ بهار، محمدتقی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج اول، انتشارات امیرکبیر، چ اول، ۱۳۲۳.

34- Hardayal.

۳۵- از جمله این افراد می‌توان به مولوی برکت‌الله اشاره کرد.

۳۶- چنانکه از تحصیلات وی برمی‌آید، دارای هوش فوق‌العاده‌ای بوده است. وی در دانشگاه آکسفورد به تحصیل پرداخت و در ۱۹۲۰م روزنامه «گادر» را در سانفرانسیسکو و حزبی نیز به همین نام تأسیس کرد. وی مشی ضدانگلیسی داشته، به همین جهت به دنبال نطق‌هایش در آمریکا توقیف و بعد از آزادی به سمت سونیس حرکت کرد. در این کشور مجدداً اقدام به انتشار روزنامه «گادر» نموده و به فعالیت‌های ضدانگلیسی‌اش ادامه داد. مقارن جنگ جهانی اول خود را به آلمان رسانیده و علیه سیاست انگلیس در هند به مبارزه برخاست و از اعضای فعال کمیته برلین گردید. هاردايال تا پایان جنگ در آلمان باقی ماند. جمال‌زاده که از نزدیک با وی ملاقات‌هایی داشته است، او را جزو اندیشمندان کشور هند دانسته و نظر مثبتی راجع به وی ارائه می‌کند. (خاطرات جمال‌زاده، ص ۷۲).

۳۷- زندگی طوفانی، ص ۱۸۳.

38- Ulrich Gehrke.

۳۹- «رئیس اداره امور شرق آلمان تلگرافاً توضیحاتی راجع به سوابق تقی‌زاده از تهران خواست. فن کاردوف شارژدافر آلمان، جواب تلگراف را به نگارنده محول داشت و من آنچه از طفولیت از مراتب وطن‌پرستی و آزادی‌خواهی و فداکاری تقی‌زاده شنیده بودم، بر روی کاغذ آوردم». (زندگی طوفانی، ص ۵۶).

۴۰- پیش به سوی شرق، ص ۶۶؛ همچنین ر.ک: اتحادیه «نظام مافی»، منصوره، رضاقلی خان نظام‌السلطنه، ج اول، تهران، نشر سیامک، نشر تاریخ ایران، چ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۲۶.

۴۱- «در یکی از روزهای زمستان ۱۹۱۵م تقی‌زاده به اداره پست محله شالوتنبرگ شهر برلن رفت و نامه‌هایی به پاریس و لندن و ژنو و استانبول فرستاد». (بهنام، جمشید، برلنی‌ها اندیشمندان ایرانی در برلن، تهران، نشر پژوهش، چ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۸).

42- Rudolf von kardorf

43- Kunt Kantiz.

44- Wesendong.

45- Nadolny, R.

۴۶- زندگی طوفانی، ص ۴۸۲.

۴۷- پیش به سوی شرق، ص ۱۵۶. در ادامه آن آمده است: «لانگورت و زیمرمن به این پیشنهاد پاسخ مثبت دادند و تقی‌زاده و حسین‌خان اختر هم موافقت کردند.»

۴۸- گرکه می‌نویسد: «یکی از تصمیم‌هایی که در جهت پشتیبانی از سیاست فعال آلمان، بعد از سیاست عثمانی، در ایران گرفته شد، جمع کردن ملیون ایرانی در برلین بود. (پیش به سوی شرق، ص ۱۵۵).

۴۹- تقی‌زاده می‌نویسد: «با کمیته هندی که رشته امور فعالیت در مشرق را در دست داشت آشنا شدیم و تقاضای آنها و آلمان‌ها که همان منظور آنها بود به ما تکلیف شد که عبارت از این بود که به انقلابیون و وطن‌پرستان هند که از راه ترکیه